

هو الله

دوست حقیقی مهربان اثر کلک مشکین چون نسائم بهاری مشام مشتاقان را معطر نمود و چون محفوظ و مصون مزده وصول بوطن مألوف داد فرح انگیخت و سرور افزود دوستان را نفحه خوشبوی جان بود و یاران را مسرت وجدان سبحان الله این چه موهبت است که بعالم انسانی عنایت شده است که اثری حکم نسیم سحری یابد و خبری روشنائی قلب و بصری گردد مداد لسان فصیح و داد شود و ورق آینه جهان‌نمای اسرار گردد حمد خدا را که روابط محبت بمثابه‌ئی محکم و متین است که غیبت عین حضور است و دوری و مهجوری پرده چشم نه قلوب از زمان هجران دمی نگذشت مگر آنکه بیاد همدمی آن ایام بودیم و صبحی شام نشد که تخطر ایام انس و الفت نکردیم امید است که باز حلاوت ملاقات کام مشتاقان را شیرین و قلوب دوستان را خرم چون بهشت برین نماید و لیس ذلک علی الله بعزیز زمان الفت بمثابه لمح بصر بلکه کمتر بود خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود فرصتی نبود که بیان حقایق زبان گشوئیم و اساس و روش و سلوک کما هو حقّه مشهود و معلوم گردد

یا ربّ کجاست محرم رازی که یک زمان

دل شرح آن دهد که چه دید و چه‌ها شنید

اگرچه از فرط ذکا و دانش و هوش آن یار روحانی امید است که باشارتی مستغنی از عبارتی باشند و بحقیقت امور بانداک ملاحظه‌ئی پی‌برند

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند

نکنه‌ها هست بسی محرم اسرار کجاست

خلاصه مقصود آنست که حقیقت انسانیّه عبارت از آفتاب انور جهان وجود است لهذا باید بجان کوشید که پرتو سعادت آفاق جهانیان را روشن و منور گرداند هر شخصی بقدر زور بازوی خویش گوئی در این میدان افکند و باندازه پر و بال خود در این اوج عزت قدیمه پرواز نماید ای رفیق موافق همّت را بلند کن و مقاصد را ارجمند نه جدّی شمالی باش و نه سهیل جنوبی یمانی بلکه کوکب لامع در خطّ استوا باش تا جمیع آفاق جهان را روشن و منور فرمائی هر مشروع اقلیمی چون خصوصی است آن مشروع بشریست نه الهی و هر مقصد وجدانی اگر بخشایش عالم انسانیت چون عمومیت مشروع الهیست از جولان در میدان سیاسی لانه و آشیانه انتظام یابد اما پرواز در هوای الهی ارتقای باوج عزتست من آنچه شرط بلاغست با تو میگویم از اوهمات اقلیمی و پرستش مرز و بومی چشم بیوش و بملکوت الهی باز کن وطن انسان دلهای پاکست نه آب و خاک تا توانی آن را معمور نما نه مقهور مسرور کن نه مکسور این آبادی را ویرانی از پی نه و این نورانیّت را ظلمانیّتی از عقب نیست این بلندی را پستی نه و این هستی را نیستی نیست

در خصوص تاریخ اشاره‌ئی نموده بودید همّت فرمائید که تاریخ آن جناب در قرون آتیه قول فصل بود بلکه تاریخی مقدّس شمرده شود در مجامع اهل ملکوت و منصفین از ناسوت بسمع قبول مسموع آید چه که علوّیت این امر از کثرت تعرض حکومت ایران و شدت مهاجمین چنانچه باید و شاید ظاهر نه ولیکن عنقریب حقیقتش چون آفتاب نورانی واضح و مشهود گردد

در جمیع اوقات منتظر ورود اخبار و مکاتبات شما بوده و هستم البتّه منتهای همّت را در ارسال مراسلات معمول

خواهند فرمود

این سند از کتابخانهٔ مراجع بهائی داناو شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر